هفته نامهٔ
وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
سال نو و توقعات کهنه ص۲

نظام انتخاباتی اکثریتی یا تناسبی کدام یک؟ ص۳

له متخصصی کابینې څخه د اولس هیلې ص۷

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۱ | چهارشنبه ۱۰ حمل ۱۳۸۴ | ۱۹ صفر المظفر ۱۴۲۶ - | 30 March 2005

محمد نسیم فقیری در همایش غیر رسمی نمایندگان رسانه ها در مرکز بین المللی مطبوعات:

نباید اجازه داد که به نام آزادی بیان و مطبوعات به ارزش های دینی، نظام جمهوری اسلامی و افتخارات جهاد و مقاومت حمله صورت بگیرد

محمد نسیم فقیری سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان و عضو هیأت تحریر هفته نامهٔ مجاهد به نمایندگی ازاین هفته نامه در همایش غیر رسمی نمایندگان رسانه ها در مرکز بین المللی مطبوعات که به روز سه شنبه دوم حمل برگزار شده بود، شرکت و اظهار نظر نمود.

فقیری در مورد آزادی وسانسور در رسانه ها گفت:

ما جداً خواهان رعایت همهٔ آزادی های مندرج در قانون اساسی و قانون رسانه ها و پرهیز از هرنوع سانسور بی مورد می باشیم ولی نباید اجازه داد که به نام آزادی بیان و مطبوعات به ارزش های دینی، نظام جمهوری اسلامی و افتخارات جهاد و مقاومت حمله صورت بگیرد.

این ها محدودیت هایی است که کاملاً با قانون اساسی مطابقت دارد و در تمام کشورها و دموکراسی های دنیا محدودیت ها و قیدهایی از این نوع، وجود دارد ونباید آزادی را با لجام گسیختگی اشتباه نمود.

فقیری در مورد راهکار اعمال سانسور گفت:

حکومت ها زمانی می توانند نشریه های آزاد را سانسور نمایند - به خصوص سانسور قبل از نشر - که همه نشریه ها در یک مطبعه یا مطابع دولتی - با تخفیف ویژه - به چاپ برسد و کاغذ را نیز حکومت به نرخ ارزان در اختیار مطبوعات آزاد قرار دهد و همچنین برخی از اعلانات را نیز به روزنامه ها و نشریه های دولتی بدهد. در غیر آن راهکار اعمال سانسور مشخص و عملی نمی باشد.

عضو هیأت تحریر هفته نامهٔ مجاهد ضرورت یکسان سازی روش املای کلمات دری و پشتو در مطبوعات را ص۶

بند سلطان درغزنی در هم شکست

از اثر انهدام یک قسمت از بند سلطان در ولایت غزنی، و سرازیر شدن آب، صبح دیروز پانزده نفر هلاک و شش نفر مجروح شدند و حدود دو هزار دکان ، ده هزار جریب زمین ، راه های مواصلاتی که در مسیر آن قرار داشته تخریب گردید ه است .

به گزارش نمایندهٔ اعزامی باختر، بند سلطان ولایت غزنی به ساعت پنج صبح سه شنبه منهدم گردیده و از اثر سرازیر شدن آب پانزده نفر هلاک، شش نفر مجروح و حدود یکصد منزل رهایشی ، دوهزار دکان ، ده هزار جریب زمین ، ده ها حلقه چاه آب آشامیدنی، کاریز ها، راه های مواصلاتی در قریهٔ قلعه نو ، کلوخک ، قوله ، بیدرات ، بینی سنگ دوطرفهٔ دریای غزنی ، شمال شهر خواجه عمری ، قسمتی از ولسوالی جغتو ، شمال و جنوب مرکز غزنی وولسوالی اندر تخریب شده است .

رفت و آمد شهریان غزنی و کارمندان دولتی به دفاتر شان نیز قطع شده و درداخل اکثر دوایر دولتی و جاده های غزنی آب تجمع نموده است و بعد از ظهر سطح آب به تدریج پایین آمد .

دیوار استنادی بند در زمان حکومت طالبان کسر نموده بود و روز تا روز کسر دیوار گشاده می شد باشندگان غزنی گفته اند که شکستگی دیوار بند از سه روز به این طرف به کلی گشاده شده و مردم منتظر انهدام دیوار مذکور بودند .

و یکتعداد از باشندگان ساحات نزدیک بند ص۶

در فرایند تاریخی استحاله و تکثر:

از "دموکراتیک" به "دموکرات ها"

ص۲

طرح سرود ملی هنوز پذیرفته نشده است

بنا به برخی ملاحظات، طرح سرود ملی با آن که از طرف حامد کرزی رئیس جمهور کشور تأیید گردیده بود، دوباره رد گردید.

رئیس نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ گفت که قبل بر این در مورد بند بند سرود ملی، همراه کرزی مشوره صورت گرفته بود و در آخرین فیصلهٔ شورای مشورتی، سرود ملی دوباره به کرزی فرستاده شد دوماه در ... ر وی بود و ۲۰ کمپوز آن از خارج کشور ... مواصلت ورزید.

... گفت: کرزی تعدادی از شعرا را ... ته و مساله را با آنها مطرح کرده ... که در نتیجه به تاریخ ۳۰ حوت سرو... ی رد گردید.

انتخاب سرود ملی یکی از مسائل مورد بحث در لویه جرگهٔ سال ۱۳۸۲ بود، که بعد از گفتگوهای زیاد توافق گردید که شعر سرود ملی به زبان پشتو، با ذکر نام اقوام ساکن در کشور و کلمهٔ الله اکبر، ترتیب گردد.

حبیب الله رفیع رد سرود ملی از جانب ... د کرزی را، ملاحظات بعضی از افراد ... افزود که هفتهٔ گذشته، حامد ... با یک تعداد از شعرا و اعضای ... ینش ملاقات داشت. در این ملاقات ک...زی گفته است: گفتگوهایی که با ... ان اقوام و رهبران جهادی داشته، این ... نسبت به طرح موجود سرود ملی ...ظاتی داشتند لذا باید طرحی ساخته ... که مورد قبول همه باشد.

رفیع گفت: پا فشاری کمیتهٔ گزینش سرود ملی این است که سرود تصویب شده هرچه زود تر رسمی شود.

رهنورد زریاب عضو شورای ص۸

سفر کرزی به پاکستان

وحید مژده

افغانستان به عنوان پلی میان آسیای میانه و نیم قارهٔ هند از موقعیت خاص سوق الجیشی برخوردار است اما وقتی در مورد افغانستان از چنین مزیتی سخن می گوییم باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که نداشتن راه بحری محدودیت بزرگی بر کشور ما تحمیل کرده است. بنابراین استفاده از این موقعیت در صورتی ممکن و میسر است که روی لزوم داشتن منافع مشترک با کشور های همسایه بخصوص پاکستان تأکید صورت گیرد.

آسیای میانه به خاطر منابع عظیم انرژی خویش بسیار مورد توجه است به خصوص با بلند رفتن سرسام آور بهای نفت در سطح جهان ورشد روبه ازدیاد آن در



آینده، این منطقه اهمیت روزافزون می یابد. از جانب دیگر هندوستان با اقتصاد عظیم و در حال توسعهٔ خویش از کشور های نیازمند انرژی است. در چنین موقعیتی افغانستان

با رقابت همسایهٔ دیگرش ایران مواجه است که از سرنگونی رژیم کمونیستی به بعد آرزو داشته است که به عنوان مسیر ارتباطی از آسیای میانه به خلیج فارس و

اقیانوس هند، موقعیت سوق الجیشی خود را تحکیم بیشتر بخشد و افغانستان از این مزیت بهره یی نبرد.

حامد کرزی در رابطه با پاکستان به این حساسیت ها و رقابت ها توجه دارد اما پاکستان به خاطر همسرحد بودن با همسایهٔ دیگری چون ایران، می تواند موقعیت سوق الجیشی افغانستان را تا حد زیادی مورد چلینج قرار دهد. به نظر می رسد که هندوستان نیز به خاطر نگرانی از ناامنی طولانی در افغانستان، زیاد به تمدید چنین پروژه هایی از مسیر افغانستان خوشبین نیست. ص۵

احمد ضیا مسعود در همایش روز معارف

امسال شش ونیم میلیون شاگرد جدید الشمول به مکتب می رود

در محفل بزرگداشت از روز معارف و آغاز سال تعلیمی جدید که روز سه شنبه گذشته دوم حمل برگزار شده بود، احمد ضیا مسعود معاون اول و سرپرست ریاست جمهوری، استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت، نورمحمد قرقین وزیر معارف، برخی از اعضای دولت، شماری از سفرای کشور های خارجی مقیم افغانستان، مهمانان خارجی و داخلی، تعدادی از معلمان وشاگردان و منسوبان وزارت معارف شرکت ورزیده بودند، محفل با قرائت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد و به تعقیب آن حاضران برای احترام به سرود ملی کشور از جا برخاستند و پس از آن پیام حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان به مناسبت فرا رسیدن سال تعلیمی جدید توسط وزیر معارف قرائت گردید.

در این پیام ضمن تبریکی روز معارف، از بلند بردن سطح دانش و تربیهٔ شاگردان نیز یاد آوری شده بود. سپس احمد ضیامسعود ضمن ابراز تبریکات و تمنیات نیک برای اهل معارف در پیرامون نقش آموزگاران در جوامع به خصوص جامعهٔ افغانستان، وضعیت معلمان در دورهٔ تسلط طالبان، ارزش تعلیم و تربیت و ص۶



ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

سال نو و توقعات کهنه

سال نو ۱۳۸۴ خورشیدی فرا رسید. هر سال نو توقعات جدیدی را به همراه داشته می باشد و مردم انتظار می برند که در سال جدید توقعات جدیدشان بر آورده گردد و سال نو بهتر و پر بار تر از سال پار باشد. ولی مردم زجر کشیده و جفا دیدهٔ ما سال نو را با توقعات تازه آغاز ننموده اند بلکه هنوز توقعات سال و سال های گذشته را تکرار می نمایند زیرا آنچه که باید در سال قبل انجام می یافت، هنوز صورت نپذیرفته است و بایست در سال روان انتظار آن را داشت که آن خواسته ها و توقعات بر آورده گردد.

مردم جدأ خواهان عملی شدن برنامه ها و وعده های دولت هستند و انتظار دارند تا خط مشی اعلام شدهٔ رئیس جمهور در دوران انتخابات پس از گذشت شش ماه به مورد اجرا قرار گیرد و کشور راه اعمار و توسعه را در پیش گیرد.

مردم انتظار دارند تا موارد مصرف کمک های بین المللی را ملاحظه و آثار آن را در زندگی و محیط خویش احساس نمایند. مردم می خواهند همان طوری که دولت ادعا دارد باید به امر حسابدهی و شفافیت توجه جدی مبذول گردد و زمینه برای حدس و گمان ها و حتی تهمت وافترآات مساعد نگردد و هرگاه حساب مسؤولین امور پاک باشد نباید از محاسبه باک داشته باشند.

مردم آرزو دارند تا انتخابات پارلمانی به صورت آزاد و منصفانه برگزار و مشروعیت نظام کامل گردد و بدین ترتیب حضور خویش را در حاکمیت از طریق نمایندگان شان احساس نمایند و کشور به جای فرامین تقنینی صاحب قوانین تصویب شدهٔ شورای ملی گردد.

مردم می خواهند تا پروسهٔ خلع سلاح در جهت استحکام دولت مرکزی و تقویهٔ اردوی ملی و استقرار کامل امنیت به صورت معقول و با دور اندیشی به پیش برود و مجاهدین فاتح سنگرهای جهاد و مقاومت را در جایگاه مناسب و در صفوف قوای مسلح تنظیم نماید تا از یک طرف از استعداد، توانمندی، تجارب و قابلیت های آنان استفاده گردد و از سوی دیگر شاهد بی سرنوشت شدن هزاران فرد مسلح و با تجربه نباشیم که مشکلات فراوانی را به بار خواهد آورد.

هنوز امنیت کامل و مطمئن در کشور تأمین نگردیده است و هنوز شاخه هایی از طالبان به جنگ و ترور و خراب کاری می پردازند و مصالحه با جناح هایی از آنان تا کنون به نتیجه یی نرسیده است و هنوز جزئیات نه حتی کلیات این روند از ابهام و پیچیدگی سر بیرون نکرده و واضح و شفاف به اطلاع مردم رسانیده نشده است!

مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر گرچه موفقت هایی را در قبال داشته ولی کار مداوم و جدیت روز افزون را می طلبد و فساد اداری هرگز از ادارات دولتی و حتی مؤسسات غیر دولتی و خارجی حاضر به عقب نشینی وترک سنگرهای گرم و نرم خویش نمی باشد.

هنوز بیکاری و فقر و تنگدستی بیداد می کند و مردم جدأ خواهان فراهم شدن زمینه های اشتغال و کسب و کار آبرومند می باشند.

بلی! سال نو را با توقعات کهنه آغازیده ایم و بازهم امیدواریم که سال نو ما بهتر از سال پار ما باشد و شاهد پیشرفت و آبادانی کشور در سال نو و سال های آینده باشیم.

ان شاء الله

در فرایند تاریخی استحاله و تکثر:

از "دموکراتیک" به "دموکرات ها"

محمد نسیم فقیری

حزب دموکراتیک خلق افغانستان نام واحد دو تشکل مخالف و متضاد ولی دارای ایدئولوژی و اهداف ومرام مشترک بود که فقط با ضمیمه های "پیشاهنگ طبقهٔ کارگر" و "حزب زحمتکشان افغانستان" از هم تفکیک می شدند و در واقع شناسنامهٔ اصلی گروه های مشهور به خلقی ها و پرچمی ها بود که هرگز به وحدت واقعی نرسیدند وهمواره مشغول جدال ها، مناقشه ها، کشمکش ها، تصفیه ها و حتی حذف فزیکی یکدیگر بودند.

این دو گروه ـ یا به صورت درست تر جناح ها و فراکسیون هایی از آنان ـ دوبار به صورت تحمیلی و اجباری با هم اتحاد نمودند که در هر دو بار دست و فرمان قدرتمند اتحاد شوروی (تکیه گاه همچو گروه ها) به اعتراف خود شان، سازنده و به وجود آورندهٔ آن وحدت ها بود! یک بار در سال ۱۳۵۶ وقبل از کودتای ننگین ثور و در واقع برای زمینه سازی غصب حاکمیت دولتی و بار دوم در سال ۱۳۵۸ و پس از فاجعهٔ ۶ جدی وتجاوز نظامی ولشکر کشی ابر قدرت جهانخوار شوروی به کشور ما.

در این احزاب در طول سال های حاکمیت، فراکسیون های متعددی به

روحیهٔ کار و مبارزهٔ آتشین درمیان اعضای حزب، به گونه یی روز افزون به سردی می گرایید. عضویت در آن برای بسیاری حالت ناگزیری داشت؛ زیرا یا به خاطر بقای خود و کرسی خود و یا به خاطر برخی امتیازات دیگر خویشتن را در صفوف آن پناه می دادند. حزب وطن به گونهٔ فزاینده یی از ماهیت دموکراتیک، مترقی و انقلابی خویش تهی می گردید

میان آمد و حضور قوای شوروی نیز نتوانست که از تفرق و پراگندگی آنان جلوگیری نماید وهمان بود که پس از خروج اردوی متجاوز، تضاد و خصومت درونی در داخل حزب به صورت کودتای نظامی تبارز نمود و وزیر دفاع (شهنواز تنی) رهبری این قیام را به عهده داشت. گرچه پس از خروج قوای شوروی نیز هر یک از رهبران فراکسیون های مختلف، مشاورین روسی را در کنار خود داشتند ولی جایی که قطعات مسلح و مجهز خارجی نتوانند از تضاد وکشمکش داخلی جلوگیری نمایند، مشاورین بیچاره چه کاری را می توانند از پیش ببرند؟!

حزب دموکراتیک خلق در سال ۱۳۶۹ به حزب وطن تغییر نام داد و این امر باعث ناخشنودی تعدادی از بلند پایگان وکادرهای آن گردید. در بهار سال ۱۳۷۱ و با سرنگونی رژیم و پیروزی جهاد، حزب وطن نیز منحل و غیر قانون اعلام گردید و این در حالی بود که حزب مذکور در پی اختلافات عمیق، طولانی و ریشه دار عملاً منحل گردیده بود وچیزی به نام حزب وطن وجود نداشت، همان طوری که چیزی به نام دولت و حاکمیت مرکزی نیز در صحنهٔ عمل حضور نداشت!

بقایای حزب دموکراتیک خلق، شاخه ها و شاخچه ها وحتی ریزه برگ های خزان زدهٔآن به هرگوشه و کنار پراگنده شدند و با نام ها و عناوین مختلف سعی نمودند تا دوباره در صحنه های سیاسی و اجتماعی کشور حضور بیابند تا جایی که تعدادی از آنان به سادگی و سهولت توانستند که در وزارت عدلیه احزاب شان را ثبت و راجستر نمایند و به نام احزاب "دموکرات" به فعالیت بپردازند.

جریان استحاله و تکثر حزب دموکراتیک خلق (حزب وطن) داستان طولانی وغم انگیزی دارد که همانند حزب کمونیست شوروی در سال های زمامداری استالین و بریژنف مملو از تصفیه های خونین درون حزبی و تضاد ها، کشمکش ها وبرخوردهای مسلحانه وکودتای خونین پیروز و نا فرجام می باشد که برخی از بنیانگذاران آن حزب در آثار شان با درد و دریغ و تأسف زیاد ـ در بعضی مواردـ حتی به جزئیات آن پرداخته اند.

وضع حزب وطن در کتاب سلطان علی کشتمند در واپسین سال های حاکمیت، این طور به تصویر کشیده شده است. "حزب وطن به رغم این که شور و علاقمندی پیشین دوران حزب دموکراتیک خلق، در اذهان وقلوب اعضا و فعالان آن دیگر احساس وگرمی نمی بخشید، کما کان به عنوان حزب حاکم شناخته می شد.

روحیهٔ کار و مبارزهٔ آتشین درمیان اعضای حزب، به گونه یی روز افزون به سردی می گرایید. عضویت در آن برای بسیاری حالت ناگزیری داشت؛ زیرا یا به خاطر بقای خود و کرسی خود و یا به خاطر برخی امتیازات دیگر خویشتن را در صفوف آن پناه می دادند. حزب وطن به گونهٔ فزاینده یی از ماهیت دموکراتیک، مترقی و انقلابی خویش تهی می گردید..." (۱)

دستگیر پنجشیری وضع حزب دموکراتیک خلق و به خصوص جناح

بقایای حزب دموکراتیک خلق، شاخه ها و شاخچه ها وحتی ریزه برگ های خزان زدهٔآن به هرگوشه و کنار پراگنده شدند و با نام ها و عناوین مختلف سعی نمودند تا دوباره در صحنه های سیاسی و اجتماعی کشور حضور بیابند

خلق را در کتابش این گونه بیان می دارد: "همزمان با تغییر رهبری در اتحاد شوروی، پیدایی وطرح تفکر نوین از سوی گرباچوف رهبر شوروی، در افغانستان نیز پیچ ومهره های حزب حاکم و دولت عوض شد... داکتر نجیب رئیس قبلی دستگاه خاد که قریب هفت سال مقاومت ملی و دموکراتیک خلق خشماگین کشور را سرکوب کرده بود؛ ابتدا به حیث رهبر حزب و سپس به حیث رئیس جمهور گماشته شد. رهبر جوان حزب حاکم و دولت با درک جوهر سیاست گرباچوف و گرایش های نوین تاریخ معاصر زیر نام و در پردهٔ دموکراسی، مصالحهٔ ملی وسیستم چند حزبی، صحنه سازی های انتخاباتی، تمرکز خونین به وجود آورد، گرایش های عظمت طلبانهٔ او بیش از بیش امکان تبارز یافت و تقویت گردید." (۲)

و در مورد کودتای ۱۶ حوت ۶۸، شهنواز تنی می نویسد: "این روی خونین محصول تضاد مبارزهٔ جناح های مخالف و مختلف درون ح.د.خ.ا ومعلول خصوصیات قبیله یی و مقاصد جاه طلبانهٔ نجیب وبعضی از رهبران بلند پایهٔ نظامی و جنگ سالاران فراکسیون خلق و حامیان بین المللی آنان بوده است." (۳) و در مورد وضع آشفته و از هم پاشیدهٔ فراکسیون های مختلف در آستانهٔ پیروزی جهاد و سرنگونی رژیم خلق و پرچم می نویسد:

"با دریغ و درد باید گفت که بعد از قیام ناکام شورای هماهنگی علیه دولت پروفیسور ربانی هر یکی از این فراکسیون ها جای پای جداگانه یی را برای نجات خویش جستجو کردند و به فیصله های قبلی خویش وفادار باقی نماندند و به این ترتیب پروسهٔ زوال، فروپاشی و پراگندگی سازمانی، سیاسی و رهبری ح.د.خ به ویژه فراکسیون خلق آهنگ شتابنده یافت."(۴)

نبی عظیمی حالت روانی نجیب را در آخرین روزهای اقتدارش این چنین توصیف می کند که در واقع گویای وضع همهٔ آنان است:

"... نجیب الله گرفته، خسته، عبوس و مغموم بود. در حرکات و سکناتش نوعی بی قیدی و بی اعتنایی نسبت به محیط ماحولش کاملاً محسوس بود. گویی از همه چیز بیزار شده است و می خواهد خود را از قید و بند رهبری و مسؤولیت رها سازد... در اظهارات او تنفر عمیقش نسبت به اکثریت اعضای بیوروی اجرائیه وحتی بعضی از افسران ارشد اردو محسوس بود. او گفت: من در بیوروی سیاسی هیچ دوستی ندارم. همه مانند یک دشمن علیه من موضع گیری دارند. من تنها هستم."(۵)

عظیمی وضع همفکران و همرزمان خویش را حین خروج قوای شوروی چنین بیان می کند: "...بعضی از اعضای حزب کابل را ترک کرده به ماسکو یا کشورهای آسیای میانهٔ شوروی گریختند. بعضی ها راه و چارهٔ دیگری در پیش گرفتند و به شکلی از اشکال با تنظیم های هفتگانه و سه گانه ارتباط قایم کرده به عضویت آنها درآمدند، حتی عده یی سه، چهار کارت عضویت از سه تنظیم به دست آوردند و این کارت های کذایی را در جیب های راست خویش مخفی کردند و کارت سرخ حزب د.خ را در جیب حمل می کردند... آنها در هر سطحی بودند از وزیر تا جنرال از سپاهی تا رئیس اداره از عضو بیوروی سیاسی تا یک حزبی ساده و عده یی هم در فراکسیون های بیمار حزبی... ص۳

نظام انتخاباتی اکثریتی یا تناسبی کدام یک؟

قسمت دوم و آخر

سید ناصر تقدسی

انواع نظام انتخاباتی اکثریتی بر اساس دسته بندی حوزه های انتخاباتی

در انتخابات، موضوع تقسیم حوزه ها یک بحث مستقل است که توضیح همه ابعاد آن، به بحثی منصل وطولانی نیاز دارد و در این نوشتهٔ مختصر نمیٔ گنجد. اما در اینجا به برخی از جنبه های این موضوع به صورت اجمال اشاره می رود.

نظام اکثریتی در حوزه های تک کرسی

در این گونه نظام انتخاباتی، حوزه های انتخاباتی به شکلی دسته بندی می گردد که در هر حوزه فقط یک کرسی میان کاندیداها به رقابت گذاشته می شود.

در جاهایی که این شیوه ، مورد استفاده قرار می گیرد، بایستی حوزه های انتخاباتی به اندازهٔ کافی کوچک باشد و به پیمانهٔ تعداد کرسی های پارلمان در کشور، حوزه های انتخاباتی موجود باشد. این نظام با آن که از نقص خالی نیست، دارای امتیازات و ویژگی هایی نیز هست که مهم ترین آن ویژگی ها این است که به دلیل محدود بودن حوزه ها، نمایندهٔ دلسوز تر و مطمئن تری به پارلمان معرفی می شود؛ چه رأی دهندگان با کاندیداها آشنایی بیشتری می داشته باشند و با آگاهی بهتری به گزینش نمایندهٔ خود، در پارلمان می پردازند. این نظام انتخاباتی موجب می گردد، تا به جای احزاب، شخصیت های معروف و با نفوذ هر منطقه، نقش مهمی در انتخابات ایفا کنند. این شیوه در کشور هایی که احزاب سیاسی به پختگی نرسیده و نمایندگان این احزاب و جهه یی قابل قبول در میان مردم ندارند، خوب ترین شیوه و نظام انتخاباتی تلقی می شود.

نظام اکثریتی در حوزه های چند کرسی

در این نوع نظام، در هر حوزهٔ انتخاباتی، چندین کرسی در بین نامزد ها به رقابت انداخته می شود، و از یک حوزه چندین نفر به عنوان نمایندگان مردم به شورای ملی یا پارلمان فرستاده می شوند. و بسیار طبیعی است که حوزه های چند کرسی در مقایسه با حوزه های تک کرسی خیلی وسیع تر و گسترده تر خواهد بود.

در این نظام بازیگران اصلی میدان انتخابات، احزاب سیاسی می باشد و افراد مستقل و غیر حزبی کمتر می توانند درصحنهٔ رقابت انتخاباتی نقش بازی کنند و احزاب شرکت کننده در انتخابات، غالباً از طریق ارائهٔ فهرست های از پیش تعیین شده با یکدیگر به همچشمی و رقابت می پردازند، واصولاً نامزدهای انتخابات هم از طریق رؤسا و رهبران ویا افراد بلند رتبهٔ احزاب سیاسی تعیین می شوند. این نظام که می شود آن را نظام فهرستی نام نهاد، به اشکال گونه گون در جوامع مختلف به منصهٔ اجرا گذاشته می شود که مهم ترین آنها به شرح زیر است:

۱- فهرست بسته: در این روش، رأی دهندگان از میان فهرست های مختلف که از طرف احزاب سیاسی مطرح می شود، تنها حق انتخاب یکی از آنها را همان گونه که هست، دارند و نمی توانند هیچ گونه دخل و تصرفی در فهرست ها به عمل آورند. در نظام فهرست بسته، رأی دهندگان در واقع به احزاب سیاسی رأی می دهند، نه به نامزدهای ویژه. این نوع انتخابات باعث می شود که احزاب سیاسی بخصوص رهبران آنها کارگردانان اصلی صحنه های سیاسی باشند.

مهم ترین نقدی که تحلیلگران بر این نوع روش وارد کرده اند این

در نظام فهرست بسته، رأی دهندگان در واقع به احزاب سیاسی رأی می دهند، نه به نامزدهای ویژه. این نوع انتخابات باعث می شود که احزاب سیاسی بخصوص رهبران آنها کارگردانان اصلی صحنه های سیاسی باشند.

است که در این نظام ارادهٔ آزاد مردم از آنان سلب می شود و ایشان مجبورند فقط به احزاب رأی بدهند، صرف نظر از این که رهبرو هیأت رئیسهٔ حزب چه کسی را به عنوان نمایندهٔ آنان به شورا معرفی می کنند و آیا این نماینده از شایستگی لازم برخوردار است یا خیر.

۲- فهرست باز: در این روش رأی دهندگان از میان فهرست های مختلف، نامزدهای مورد نظر خود را انتخاب می کنند و به تنظیم فهرست مورد نظر خود اقدام می نمایند. در این صورت از میزان نفوذ احزاب سیاسی تا حدودی کاسته می شود و افراد رأی دهنده از آزادی عمل بیشتری برخوردارند. احزاب سیاسی فهرست های خود را اعلام می کنند و رأی دهندگان، با مطالعهٔ فهرست های گونه گون، فهرست نهایی خود را تنظیم می کنند.

۳- فهرست های هم خانواده: در این نظام انتخاباتی، احزاب سیاسی وگروه هایی که فهرست ها را برای انتخابات معرفی کرده اند، بایدپیش از برگزاری انتخابات، فهرست های هم خانوادهٔ خود را که در حقیقت مؤتلفان آنان هستند نیز مشخص کنند. در صورتی که در مرحلهٔ اول ، هیچ فهرستی اکثریت مطلق را احراز نکند، فهرست های هم خانواد ومؤتلف را کنار هم می گذارند و هم خانواده هایی که اکثریت را احراز کرده باشند، برندهٔ انتخابات تلقی می شوند. سپس به تناسب آرای هر فهرست، کرسی ها میان فهرست های هم خانواده توزیع می گردد.

در این نوع نظام احزاب کوچکی که بادیگر احزاب ائتلاف نکنند شانس برندگی ندارند.

نظام انتخاباتی تناسبی

دراین نوع نظام، هر یک از احزاب سیاسی به تناسب میزان آرای خود در انتخابات، می توانند کرسی های پارلمان را به خود اختصاص دهند. در نظام تناسبی، برخلاف نظام اکثریتی که به موجب آن حایزان نصف به علاوهٔ یک، همه کرسی ها را به خود اختصاص می دهند، هر حزب ویاگروهی به تناسب آرای خود، می تواند صاحب کرسی نمایندگی باشد ولو که در صحنهٔ انتخابات مغلوب هم محسوب شده باشد. بدین ترتیب نظام تناسبی، مبتنی بر ارائهٔ فهرست از طرف احزاب است و انتخابات تنها در یک مرحله انجام می شود. در چنین نظام، حوزه های انتخاباتی بایستی به اندازهٔ کافی وسیع و پرجمعیت باشد؛ تا در هر حوزه لا اقل ۴ تا ۵ نفر برای انتخاب شدن لازم باشد.

هر چند صاحب نظران ، یکی از وجوه امتیاز نظام انتخاباتی تناسبی را بر نظام انتخاباتی اکثریتی، در عادلانه بودن آن می دانند که بر اساس آن احزاب، وگروه ها ونهادهای مختلف می توانند به پیمانهٔ آرای خود درپارلمان نماینده داشته باشند، ولی در این نوع نظام بازهم احزاب بسیار کوچک که آرایی کمتر از سقف تعیین شده داشته باشند، بازندهٔ کامل انتخاباتند و حضوری در مجلس نمایندگی نخواهند داشت. در نتیجه، در انتخابات تناسبی هم ، در صدهای پایینی حذف می شوند و اصل "کرسی به تناسب آرا" کاملاً رعایت نمی شود.

با این توضیح و تحلیل حال به پاسخ این پرسش می رسیم که در اوضاع کنونی افغانستان نظام انتخاباتی اکثریتی بهتر است ویا نظام انتخاباتی تناسبی؟

با توجه به واقعیت های موجود در جامعهٔ افغانستان ویا ارزیابی اوضاع فعلی این کشور، نظام انتخاباتی تناسبی به دلایل زیر نا مناسب به نظر می آید:

با محدود کردن نقش مردم در انتخابات، زمینه های ورود افراد غیر شایستهٔ وابسته به احزاب سیاسی، به پارلمان فراهم می شود، و نمایندگان واقعی و شایستهٔ مردم بازهم به حاشیه رانده خواهند شد.

۱- احزاب سیاسی در افغانستان کاملاً نو پا است و تا هنوز به پختگی لازم نرسیده است؛ حتی اعضای برخی از این احزاب، شاید به یک صد نفر هم بالغ نگردد، و همچنان اکثریت قاطع این احزاب به جز در مرکز ، در نواحی شهر نیز نمایندگی ندارند چه رسد به ولایات و ولسوالی ها ! لذا ایفای نقش فعال این احزاب در انتخابات به دور از واقعیت است.

۲- مردم افغانستان از احزاب، خاطرهٔ خوشی ندارند و احزاب تازه تشکیل یافته به دلیل بی برنامگی و نوپایی تا کنون نتوانسته اند، خود را برای مردم بشناسانند و اعتماد آنان را کسب کنند؛ از این رو اگر با عنوان کردن نظام تناسبی، نقش مردم در انتخابات کمرنگ ساخته شود، آنان در اتخابات چنان که لازم است مشارکت نخواهند داشت.

۳- با محدود کردن نقش مردم در انتخابات، زمینه های ورود افراد غیر شایستهٔ وابسته به احزاب سیاسی، به پارلمان فراهم می شود، و نمایندگان واقعی و شایستهٔ مردم بازهم به حاشیه رانده خواهند شد.

۴- شماری از افراد، با آن که به احزاب سیاسی بی باورند و برنامه های آنها مورد تأیید شان نیست، ولی صرف به خاطر راه یافتن به پارلمان که یک امتیاز مقطعی است به احزاب رو می آورند وعضویت آنان در احزاب فقط به موسم انتخابات خلاصه خواهد شد؛ چیزی که باعث فساد وازهم گسیختگی احزاب سیاسی می گردد.

۵- تناسبی بودن نظام انتخاباتی اصل سریت، آزادی و مستقیم بودن انتخابات را که در قانون اساسی تصریح شده است، زیر سؤال می برد.

بنا بر این نظام انتخاباتی اکثریتی که هم احزاب سیاسی حق معرفی کاندیدا ها را داشته باشند و هم اشخاص مستقل غیر وابسته به احزاب، حق نامزد شدن را داشته باشند، به اوضاع و احوال کنونی کشور ما بیشتر همخوانی دارد و به مصلحت ملت تمام خواهد شد؛ به شرطی که در این نوع نظام اصل "نصف+ یک و یا بیشتر از آن" در برنده شدن کاندیداها رعایت شود و برای جلوگیری از تکرار انتخابات که وقت زیاد و هزینهٔ هنگفت مالی می طلبد بهتر است از سیستم "تک رأی قابل انتقال" استفاده شود .

در این صورت انتخابات به شکلی عادلانه برگزار شده هم احزاب سیاسی به حق خود نایل می شوند و هم ملت فرصت می یابند به افراد شایسته و قابل اعتماد خود رأی بدهند.

رویکردها

۱- پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب. د.حجت الله ایوبی
۲- فرهنگ جامع سیاسی. محمود طلوعی
۳- مجلهٔ عربی زبان المجتمع، چاپ کویت.

از "دموکراتیک" به ...

این فراکسیون ها برای روز مبادا در تلاش بودند، بعضی از آنها حتی تا سطح قوماندان تولی و کندک قومی تنزل نمودند... این فراکسیون ها چه در بخش خلقی حزب وچه در بخش پرچمی آن رو به افزایش بود به طوری که شخص مستقلی در حزب یافت نمی شد و ارادهٔ جمعی حزب به فراموشی سپرده شده بود...

بعضی از اعضای کمیتهٔ مرکزی، اعضای دولت و کارمندان عالیرتبه به نام های استراحت، تداوی، دیدن اقارب و هزار و یک بهانهٔ دیگر به کشورهای آسیای میانه رفتند، پول های کلانی را انتقال دادند، شرکت ها و مغازه ها تأسیس کردند و به مبارزهٔ گذشتهٔ خویش خط بطلان کشیدند."(۶)

بلی! حزب دموکراتیک خلق به تدریج ازهم پاشید وکودتای ثور و فاجعهٔ ۶ جدی به جای این که به آن قوت و وحدت ببخشد، آغاز گر و ادامه دهندهٔ روند فروپاشی تدریجی آن گردید و بالآخره آن را به زباله دانی تاریخ سپرد!

ولی بقایای کوچک و بزرگ آن "دموکراتیک" امروز "دموکرات ها" شده اند و از دموکراسی و آزادی بیان ومطبوعات وحقوق بشر حرف می زنند.

دیروز دموکراسی را همان دیکتاتوری پرولتاریا می دانستند که زبان ها بریده و قلم ها شکسته وهر عنصر مخالف به زندان افگنده می شد و هزاران نفر بدون محاکمه اعدام می گردیدند.

ولی امروز دموکراسی را عبارت از آزادی لجام گسیخته وبی حد و حصری می دانند که هرچه دلشان خواست بگویند و بنویسند و هر تهمت و افترا واتهامی را به هر که بخواهند ببندند و روا دارند و خواهان مطبوعات آزاد و مشارکت احزاب دموکرات در ساختار سیاسی و ادارهٔ کشور می باشند.

"دموکرات" هایی که از بقایای همان "دموکراتیک" ضد آزادی و پامال کنندهٔ حقوق بشر اند، به یقین که درمیان مردم جای پایی نخواهند یافت و صدا و سیمای شان از تالارها، تلویزیون ها و رادیو ها به متن جامعه راه نخواهد یافت و نا شناخته ومهجور باقی خواهند ماند، وچنین باد!

پاورقی ها:

۱- یادداشت های سیاسی و رویدادهای تاریخی صـ ۹۹۰ و ۹۹۱
۲- ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق ـ بخش دوم صـ ۱۳۹
۳- همان، صـ۱۵۰
۴- همان، صـ۱۶۹ و ۱۷۰
۵- اردو و سیاست صـ۵۴۳
۶- همان، صـ۳۷۴

شرافت رهایی

عبدالقیوم ملکزاد

چه به ناز جلوه می کرد به وطن بهار دیروز
دل ما شدی به دست طلبش شکار دیروز
سوی باغ می گذشتیم به مشام ما همی گشت
زنسیم عطر مست طرب انتشار دیروز
به شکنج سده ها بود به کنار نام میهن
همه احتشام وفخر و شرف و وقار دیروز
به ردیف خلق کیتی، ز شرافت رهایی
همه سربلند بودیم، همه کامگار دیروز
وکنون به چشم خفت نگرند سوی قومی
که سپاه اجنبی داد ز وطن فرار دیروز

فر نوروزی

محمد اسحاق فایز

غزل می ریزد اینک آستین سبز نوروزی
مدد کن با دو چشمت تا در این قافیه بفروزی
شبی گر ساتکین شعر در بزمی مرا بخشی
روایت های رویش را بکن از قاب امروزی
فراز آسمان ابر است، با روحی پر از باران
چو نیسانی به آتش کش دلم از بخت بد سوزی
عروق تشنه این فصل را سیراب کن از خویش
گلاب و سبزه را یک باره با آیین بهروزی
نفس های تمام کوه، روییده است بر ذهنم
بیا با چشمه جاری شو چنان به گام او به توزی
فغان شو بر لب دریا و بر حلقوم بادی سبز
که نوروز است و ایام شکوه وبهره اندوزی
که دی را، با چنین ترفند با سرما و برفی سرد
تکانیم: کای رخت برکن به یک سو شو و یکسو زی
به فرجم قدح بردار و با شعر و غزل تر شو
که نوروز است و نوروزی ببارد بخت و پیروزی

به سلام شقایق ها

محمد اسحاق فایز

به تازگی دو کتاب ارزشمند از آقای عبدالقیوم ملکزاد نویسنده و شاعر کشورمان حلهٔ چاپ یافته است و به بازار عرضه شدند. کتاب اولی گزینه یی از شعرهای عبدالقیوم ملکزاد است که با نام "دعای سبز علف" انتشار یافته و کتاب دوم که "به سلام شقایق ها" نامیده شده است غنیمتی است برای تشنگان مطالعهٔ کتاب ها.

با عبدالقیوم ملکزاد پس از پیروزی مجاهدین و سقوط حکومت کمونیستی در کشور آشنا شدم ولی گویی قضا را چنین بود که این آشنایی به دور دیگری معوق بماند. پس از استیلای طاغوت سیاه طالبان بر کشورم که آشوب وفتنهٔ بیگانگان بار دیگر در سر زمینم برپای شد، "ما" کوله بارها بر دوش به آفاق پراگنده شدیم و آزمونی دیگر فرا راه مان سبز شد با "هفت خوان" های مخوف و وحشتناک که گذشتن از آن تاب و توان "رستمانه" یی می طلبیست.

پس از سقوط طالبان بود که او را دوباره یافتم و دیدارهای مان تازه شد.

سخن بر سر کتاب "به سلام شقایق ها" ی ملکزاد است که به خامهٔ توانای او نگارش یافته است و لازم است تا آن را خواند و از درس های آن چیزی فراخور فراچنگ آورد.

نگارنده را یارای نقد و بررسی این اثر نیست ولی می خواهم طی این نامهٔ مختصر، آن را به خوانندگان معرفی کنم.

"به سلام شقایق ها" مجموعه یی از دست نوشته های ملکزاد است که در ۲۷۱ صفحه به همت نویسنده به تیراژ ۱۰۰۰ جلد اقبال چاپ یافته است و نویسنده (که شاعر نیز هستند) آن را به همسر، فرزندان و جمعی دیگر از اعضای خانواده اش اهدا کرده است.

کتاب با مقدمه یی از خود نویسنده آغاز می شود که در آن، او کوشیده است دلایل نگارش این گزینه را برای خواننده توضیح بدارد.

به ظاهر امر نوعی نوستالژی دردناکی جان مایهٔ این فریاد دل غریبهٔ نویسنده در غربت سرای ماحول اوست که با شعور و خون قلم جان یافته است و چه بسا که زیبا و دلپسند نیز نگارش یافته.

"به سلام شقایق ها" که با نثری در مواردی دشوار نگارش یافته است، حاوی مطالبی است که نمی توان آن را در یک گزینهٔ متجانس فراهم کرد. این کتاب سفر نامه هست، تاریخ هست وحتی مجموعه یی از مقالات ادبی ونثر ادبی نیز هست. حوادث و رویدادهایی که در سه دههٔ اخیر در کشور ما رخ داد به نحوی نا همگون در متن کتاب آمده اند و این "انواع" شوژ و درونمایهٔ کتاب، مقداری شتاب زدگی نویسنده را در چاپ کتاب مذکور بازگو می کند.

وقتی به کتاب سر می زنید وصفحات آن را مرور می کنید سیمای نویسنده را در نظر خواهید داشت که کوله بار بردوش از این وادی به آن وادی و از این دره به آن ستیغ ها خویش را می کشاند و در سراسر کتاب گویی او برای خویشتن نجوایی دردمندانه و جان سوز می کند.

ملکزاد در شعرهایش به باور من، شاعری درون گراست، این حالت او را در "به سلام شقایق ها" نیز می توان به وضاحت دریافت.

ملکزاد هر از گاهی که لازم دانسته است، با آوردن چند بیت از خود و یا از ابوالمعانی بیدل رحمه الله یا شاعران دیگر بنیاد کارش را محکم کرده است و به این طریق خوان گسترده یی فرا روی تان را رنگین و پرجلوه داشته است.

نثر ملکزاد حتی در سراسر این کتاب، روحی شاعرانه دارد که تنها این کار سبب شده است که مضامین و جانمایه های متفاوت پر سوژه های تنوع این گزینه را همگونی بدهد.



این کار یک اشکال نیز برای نویسنده در این کتاب خلق کرده است و آن این که چه بسا مواردی که خواننده از نگرش شاعر مآبانه به اوضاع و احوال دلخورده می شود و ملالت به بار می آورد.

ملکزاد اصل ساده نویسی را در کتاب حاضر مراعات نکرده است، امروزه حتی کوشش می شود که در همه انواع نبشته ها (جز شعر) نویسندگان به زبان ساده بپردازند و جان مطلب را فدای تعابیر، اصطلاحات و لغات و واژه های نا مأنوس و دشوار نسازند.

وقوف نویسنده به ادبیات فارسی - دری مشهود است. ملکزاد با این پشتوانهٔ بزرگ به نگارش کتاب "به سلام شقایق ها" دست یازیده است.

کتاب از روزگار هجرت، سالهای اشغال، جنایات بی شمار بیگانگان، بیگانه پروران و دلقکان شان حکایت می کند. از سفرهای دور و دشوار تا نیایش نویسنده در دل دشتهای "لیلی" به پروردگارش حکایت می کند. از برگشتن و پشت پا زدن به خط از سوی رفیقان و راهیان طریق حکایت می کند. کتاب از جورو ستم آمده بر ملت ما حکایت می کند که چگونه در پایان انقلابی بزرگ که به خون میلیون ها انسان این سرزمین به بار نشسته بود به نا گاه به بیراهه کشانیده می شود و در فرجام شرارت ها و فتنه ها و دشمنی ها و دسایس وتوطئه ها آغاز می شود تا این طلوع نخستین در افق سرزمین مان بار دیگر در محاق خون وفشار اسیر بماند و شب همچنان بر کوی و برزن بناری و تاری.

زبان ملکزاد در این نبشه مایه حسد و رشک من گردید. ایکاش نویسنده این دست نبشته ها را به ویرایش گری می سپرد تا موارد بسیاری را که می توان در لای سطور کتاب دریافت، حذف می کرد.

عیب بزرگ این کتاب از نظر این حقیر تنها همین عدم دقت در ویرایش کتاب است که این نکته را می رساند که نویسنده پیش از چاپ حتی آن را به هیچ دوستی تقدیم ننموده است تا پاره یی از لغزش ها و نارسایی های کتاب نشانی می شدند وکتاب با چهره و نمایی بهتر از این، اقبال چاپ می یافت. من برای نویسنده به عنوان یک دوست کوچک وحقیر اقبال بلند و بخت بیدار آرزو می کنم.

پسرلیه! خوارانو ته څه سوغات لري!

ش. زیارمل

پسرلیه ته به موږ ته څه راکړي، زموږ د شهیدانو کونډو او یتیمانو ته به څه ورکړي، زموږ بې شمیره جنګ وهلو رنډو، ګنهو، ګوډو او شلوته به ستا سوغات څه وي؟

موږ د دوزخ بچیان یوو، ستاله نرمي هوا او طراوت سره زموږ څه کار دي، موږ داسي پسرلي چي زموږ د کونډو او یتیمانو لپاره څه سوغات ونه لري نه غواړو، موږ هغه پسرلي ته پسرلي نه وایو چي زموږ خوارانو ته دوډۍ او زموږ ناروغانوته درمل ورنه کړي، په تاخو شاهزادګان خوشحالیږي لاړشه او دهغو دبوستان ګلان وغوړوه، دهغوي دمیلو او سیلونو لپاره په دښتو کي د شینلیو غالۍ خوري کړه، د غرونو په سرونو ګلان راوټوکوه، د مشکو او عنبرو کاروانونه ولیږدوه چي د زر او زور خاوندان تري خوند واخلي او تا ته شاباسي ووائي.

لاړشه لاړشه اي د صاحبانو پسرلیه دهغوي دچمن دګل بوټو خوشبوئي شه، لاړشه او هغه څوك خوشحاله کړه چي په ګیډه ماړه دي. له ډالرو سره لوبي کوي، بوالهوسه او معشوقه باز وي، له بهرنیو دوستانو سره رنګارنګ محفلونه جوړوي، بهرته ځي او له بهرنیو ګل ځانګوسره ناځي، دهغوي له نازکو شونډو سره پیالي جنګوي، خرمستی او نخري کوي.

هوکي! زموږ مروره پسرلیه، موږ ښه پوهیږو چي له اوږدي مودي وروسته هیواد ته راستون شوي او تاته باید هرکلي وویل شي خو ته ووایه آیا په وږي ګیډه او خوریدلي تن تاته هرکلي ویلاي شم؟

مه خپه کیږه زموږ له فقیري جونګړي لاړشه هغو ماڼیو ته پناه یوسه چي هلته تل پسرلي و د پسرلي نغمې په کي غږیدي، د خوبنیو محفلوته په کي جوړیدل او دچا له میګونو شونډو سره په کي د شرابو پیالي جنګیدي، لاړشه او هلته لاړ شه چي د لاله ګل ته د شنو میو پیاله واخلي او نرګس ته دمعشوقي سترګي، موږ نه ستا ستاینه کولاي شو او نه هم ستا هرکلي ته تیاریوو.

موږ باغ او بوستان نه لرو چي ته په کي ګل بوټي وروزي، موږ ځمکه او فصل نه لرو چي ته ئي خړوبه کړي، ته د زمینداړانو او پانګه والو ملګري ئي نو څه ورځه او له هغوي سره یوځای دخوښیو په محفلونو کي وناځه، له هغوي سره پیالي پورته کړه، له هغوي سره یوځای مزي جړچي وکړه او موږ یواځي پریږده چي خپل غم وژاړو.

سفر کرزی به ...

در چند هفتهٔ اخیر رسانه های خبری در ایران از قول منابع دیپلماتیک این کشور گزارش دادند که هندوستان به عنوان کشور خریدار ترجیح می دهد که این خط لوله که از ترکمنستان کشیده خواهد شد از مسیر ایران که امن تر و دارای توانمندی های بیشتر تخنیکی است عبور نماید. سخنان خانم رایس در مخالفت با احداث این خط لوله از مسیر ایران، با عکس العمل مخالف دهلی جدید مواجه شد.

مسافرت رئیس جمهور حامد کرزی به پاکستان را می توان نوعی تلاش برای حفظ تعادل در روابط افغانستان میان هند و پاکستان دانست. در عین حال کرزی می داند که این پروژه گذشته از منافع اقتصادی طویل المدت برای افغانستان از نظر امنیتی نیز دارای ارزش فراوان است. این پروژه می تواند میان چندین کشور منطقه منافع اقتصادی مشترک را به میان آورد و منافع اقتصادی مشترک به تلاش در جهت امنیت مشترک بینجامد. بخصوص پاکستان که مداخلاتش در بسیار موارد عامل بی ثباتی در افغانستان تلقی شده است.

در عین حال کرزی می داند که

کرزی برای دسترسی به این اهداف به پاکستان امتیاز بدهد. کرزی با کنار نهادن افرادی از جبههٔ متحد سابق از پست های مهم دولتی در حقیقت به مهم ترین خواست پاکستان جواب مثبت داد. این عناصر با موضع گیری های تند علیه پاکستان خود را به مهمترین مخالف آن کشور جلوه دادند بدون این که به اهمیت نظر پاکستان در نزد امریکایی ها توجهی داشته باشند.

کرزی همه اسرای جنگی پاکستانی را از زندان های کشور آزاد کرد اما پاکستانی ها در مورد مهار کردن اقدامات مخالفین علیه دولت افغانستان بیشتر به اقدامات نمایشی دست زدند. در حالی که به

هرچند پاکستانی ها به این حقیقت نیز واقف اند که دولت مردان افغانستان با وجود موقعیت سوق الجیشی کشور شان توان گرفتن امتیاز از موقعیت ها را ندارند اما امتیاز دهندگان خوبی اند

آنجایی که مناطقی که باید خط لولهٔ گاز از آن عبور نماید بیشتر ساحهٔ جنگ و گریز طالبان است، در این تنگنای زمانی و رقابت با ایران و نیاز های مبرم هند به انرژی، کرزی باید به صورت جدی تر عمل کند. انتخاب حضرت صبغت الله مجددی به عنوان کسی که باید در جهت ترغیب طالبان به صلح و پیوستن به دولت کار کند می تواند انتخاب زیرکانه یی باشد. مجددی در گذشته در برابر طالبان موقف بی طرفانه یی داشته است و او به عنوان یک شخصیت روحانی سیاسی می تواند مورد اعتماد عناصر میانه رو طالبان باشد بخصوص که جناب مجددی وقتی از کسی به دفاع برخیزد کمتر کسی جرأت خواهد کرد تا با مخالفت با وی، نیش زبان و سخنان تند وی را به جان بخرد.

دعوت مشرف از کرزی در یکی از مهمترین جشن های پاکستان و سخنان رسمی که میان دوطرف تبادله شد و هردو همدیگر را برادر خواندند، خود نشان از گرمی روابط لااقل میان دو رئیس جمهور دارد.

اما پاکستان هم مشکلات خاص خود را دارد. همین اکنون عناصر القاعده در منطقهٔ وزیرستان با دولت پاکستان درگیر جنگ های خونین اند. القاعده دشمن مشترک امریکا، دولت افغانستان و پاکستان است اما ناآرامی ها در بلوچستان

افغانستان به عنوان یکی از فقیر ترین کشور های جهان، نمی تواند متکی به کمک های جامعهٔ جهانی برای یک مدت طولانی باشد واین کمک ها تنها با وعده های روی کاغذ قابل تحقق نیست بلکه عوامل متحول در سطح جهانی می تواند آن را کاهش دهد. بلند بودن میزان سطح بیکاری در کشور عامل دیگری است که با برنامهٔ خلع سلاح و ملکی سازی ابعاد وسیع تری یافته است و سکتور دولتی قادر به جذب آن نیست. سکتور خصوصی نیز برای منافع خود، کارگران ماهرتر خارجی را بیشتر ترجیح می دهد. این نرخ بلند بیکاری می تواند در دوام بی ثباتی در افغانستان مؤثر باشد.

پس جای تعجب نیست اگر

قول مقامات پاکستانی، این کشور در سال گذشته اموالی به ارزش یک میلیارد دلار به افغانستان صادر کرده است، اما راه های مهم ترانزیتی تورخم جلال آباد و سپین بولدک قندهار که پاکستان قول ترمیم آن را داده بود همچنان به حالت صعب العبور سابق باقی است و کاری در آنها صورت نگرفته است.

پاکستان از کرزی می خواهد که به طالبان معتدل اجازه دهد تا با پرداختن به فعالیت سیاسی از جذب شدن به سوی جناحهای تندرو، این گروه بازداشته شوند و البته کرزی نیز از مدتها قبل در این زمینه ابراز آمادگی کرده است ولی پاکستان از کار هایی که تاکنون صورت گرفته راضی نیست. از

پاکستان شکلی متفاوت دارد. در ایالت بلوچستان این کشور، قبیلهٔ بکتی هزاران جنگجوی آمادهٔ رزم در سنگر دارد. بلوچستان پاکستان با افغانستان نیز همسرحد است. پاکستان می داند که اگر بعضی از حلقه ها در افغانستان بخواهند خواهند توانست به ناآرامی ها در این صوبهٔ مهم دامن بزنند. بنا براین مشرف هم به حساسیت این مسأله آگاه است و این خود می تواند یک دلیل اهمیت بیشتر کرزی به عنوان میهمان خاص در نظر میزبانان پاکستانی باشد هرچند پاکستانی ها به این حقیقت نیز واقف اند که دولت مردان افغانستان با وجود موقعیت سوق الجیشی کشور شان توان گرفتن امتیاز از موقعیت ها را ندارند اما امتیاز دهندگان خوبی اند.

له متخصصي کابيني څخه د اولس هيلې

ش - زمل

يو متل دي چې وائي "نر لا په روني کې معلوميږي" په تېرو پنځو مياشتو کې چې د ولسمشر کرزي له خوا په اصطلاح متخصصه او ماهره کابينه جوړه شوې بيا ګردي دمه موږ وليدل چې د خلکو سياسي، اقتصادي او فرهنګي نيمګړتياوي لا هماغسې په خپل ځاى پرتې دي، داسې کوم کار سرته ونه رسيد او يا د داسې يو بنيادي تحول او بدلون څرک ونه لګيد چې خلک پرې حساب وکړي او راتلونکي ته هيله من شي.

لومړى خو د خلکو دا انتقاد دى چې ځينې وزيران لا اوس هم خپل بهرني پاسپورت په خپل جيب کې ساتي او خپل دويم تابعيت ته ترجيح ورکوي، بچيان لې لا اوس هم په بهرنيو هيوادو کې په زده کړه او تخصصي کارونو بوخت دي او دې ورته دلته ډالري بانکه راتولوي او د خپل اصلي ماموريت بر معاش سربيره د يونيما له لارې د نړيوال بانک څخه هم د مياشتې 3000 ډالر ترلاسه کوي 60000 افغانۍ د دسترخوان په نامه اخلي او بهرنيو هيوادونه د پرله پسې سفرونو له لارې خو د جيب خرڅ او ډالري سفرلي په لحاظ خو بيا داسې دروبوله چې د وزير صاحب اوسني وزارت خو د لندن او دوبۍ له سوداګرۍ نه هم ډير سرشاره عايد لري.

عجيبه لې لا داده چې وزيرانو ته

ورل د دولت د کابينې د وزيرانو دلنديي او اوږدي موديي سمه او سنجول شوي ستراتيژي کار او عمل غواړي خو موږ چې وينو لاکر اوسه ځينو وزارتونو د خپل کار دلوري دتاکلو لپاره نه کومه ستراتيژي جوړه کړي او نه لې د خپلو پنځه کلنو مسئوليتونو د سرته رسولو لپاره داسې فلات فورم جوړ کړي چې هغه خلکوته په راتلونکي باندې د داډ پيدا کيدو لامل شي.

موږ د خپلې اوسنې کابينې وزيرانو نه په داګه وايو چې ستاسو وزارتونه ستاسو لپاره ستر مسئوليتونه دي نه ستر امتيازونه، هيله داده چې له دغه راز هيوادني مسئوليت څخه په بريې سره ووځې خو د بري لاس له راوړل ستاسو د پرله پسې کار او هلو ځلو تقاضا لري، له تاسو څخه د افغانستان د جنګ ځپلو او ځوريدلو خلکو هيله داده چې د هغوى لپاره د بنيادي تاسيساتو له لارې د دوامداره او رغنده کار لاره اواره کړئ، دهغوى د بچيانو لپاره دليک لوست شرايط برابر کړئ، دهغوى د ناروغانو لپاره د ټول هيواد په سطحه د روغتيائي مرکزونو او روغتونونو د جوړولو چارې سرته ورسوي کلي او باندې ورغوي، له کروندو څخه ماينونه لرې کړئ، دهغوى د اوبه خور، سړک، څښلو د اوبو او ترانسپورت په څير بې شميره ستونزې لرې کړې او که داسې ونه

د ولسمشر له خوا صرف 20 ورځې وخت ورکړي شوي وچې خپلې منقولې او غير منقولې شتمنې په فورمو کې ثبتې کړي او د وزارت د پنځه کلنې دورې په پاى کې بيا هم خلکوته دخپلې شتمنې په باب معلومات ورکړي خو د ځو ګونې په شمار وزيرانو پرته دغه کار هم نورو صاحبانو سرته ونه رساوه.

اوس چې په تيرو پنځو مياشتو کې خلکو دخپلې متخصصې کابينې چال چلند وليدلو ورسره دا ويره پيدا شوې ده چې راتلونکي پنځه کاله به تير شي خو فکر نه کيږي چې داسې کوم بدلون دې راشي چې د هغې له مخې زموږ خلک د آرامې ساه وکاږي.

نن موږ نه د تيرو تحميلي جګړو په ميراث کې بې کورې، بيسوادي، بې کارې او په سلګونو نور شوم ميراثونه راپاتې دي چې د دغو ټولو دله مينځه

کړئ او د سږ کال لپاره اته ميليارده او دوه سوه ميليونه ډالر بياهم په تشريفاتي چارو ولګوي اوياتې په خپلو جيبونو کې واچوئ نو په دې باور ولرئ چې زموږ افغان اولس به ستاسو په وړاندې دګرکې اوغوسي په ځرګندولو سره تاسوته درس ورکړي، له تاسو به خپل حق وغواړي او له تاسو سره به محاسبې ته کښيني او تاسو به بيا د خداى، قانون او خلکو په وړاندې د مسئولينوپه توګه خپله سرلوړي له لاسه ورکړي.

زموږ هيله داده چې د ولسمشر د کابينې ټول محترم وزيران خپل خانونه دخلکو او ټولنې خدمتګاران او صادق بچيان وبولي او په راتلونکو پنځو کالو کې خپلې ټولنې او خلکوته د دوامداره او نه ستړي کيدونکي خدمت له لارې خپل ځان ور وپيژني چې خلک پرې وياړي او شاباسې ورته ووائي.

اندرزهایی برای خوشبختی زن و شوهر ...

بدین ترتیب سعادت زناشویی و دوستی میان زن و شوهر نمو می یابد و این خوشبختی را معاشرت نیکو ، همزیستی مخلصانه و حسن تفاهم به پختگی و نیرومندی می رساند.

دوم: مشکل آفرینی

امروزه بسیاری از زن ها ، به موجب و بی موجب به دست خویش گور شوهران خود را می کنند و برای آنها به بهانه های مختلف مشکل می تراشند و خویشتن خود را نیز به بدبختی می کشانند و بر روی هم در اثر شکایت های بی مورد و انتقاد های نا سالم، زندگی شوهران را به دوزخ مبدل می سازند، این موضوع گاهی به ضعف اقتصاد، زمانی به اهمال شوهر در امور خانواده و احیاناً به مشکلات دیگری بر می گردد.

وغالباً شوهر نخستین قربانی این شکوه ها می شود، وجالب این که برخی از زن ها، مشکل آفرینی و تقدیم شکایت به شوهر را، چز در وقت رجوع شوهر از کار خود که خسته و ناراحت می باشد در وقتی دیگر برای خود خوشایند نمی دانند، و زمانی که مرد در را باز می کند به جای این که از طرف همسر به رویش لبخند زده شود و صدای نرم و لطف آمیز او را بشنود، با موجی از خبرهای بد، مشکلات اولاد و شکایت همسایه ها و اقارب روبه رو می گردد، و زن پس از این همه شکایات برای او طعام می آورد و از او می خواهد که بخورد و مرد که از این آلام و مصائب ناراحت شده است نا گزیر باید بگوید که "سیر هستم!".

سوم: انتقاد همیشگی

انتقاد مستمر بر کار کرد ها و تصرفات شوهر، مادهٔ زهر آگینی است که زندگی زناشویی را به لبهٔ مرگ می کشاند و این انتقاد های نا به جا به حدی پیش می رود که احیاناً بر شکل و شمایل مرد نیز که ساخته و پرداختهٔ دست بلاکیف پروردگار است، زن تمسخر می زند. در حالی که زن صالح و نیکو کار ، باید به شوهرش احترام بگذارد، از او ستایش و سپاس گزاری کند و پیوسته از صفات حمیدهٔ وی یاد آور شود و از مرد تشکر نماید که در راه خوشبختی و همزیستی همسرش کار و تلاش می کند.

زن فراموش نکند که اگر شوهر را همواره مورد نقد قرار دهد و زمینه های اذیت اورا فراهم نماید، او ناگزیر است به سراغ ازدواج با زن دیگری برود که او برایش ارج بگذارد و زحمتش را قدر نماید.

چارم: دخالت در کار شوهر

اختناق، لگام گسیختگی و از هم پاشیدن شیرازهٔ خانواده زمانی آغاز می شود که زن در هر کار مرد دخالت می کند و این دخالت به جایی می کشد که از وی می پرسد:

روندهٔ کجا هستی؟ باکی دیدار کردی؟ و ... وا حیاناً جیب های شوهر را زن به تلاشی می گیرد و از جریان مکالمات تلفنی او مراقبت می کند و نسبت به وی کاملاً بی اعتماد می گردد و چهرهٔ یک مامور پلیس را به خود می گیرد. در این حالت طبیعتاً کشتی خوشبختی زنا شوهری دچار توفان می گردد و فضای دوستی و صمیمیت تیره می شود؛ این مسأله بدان معنی نیست که زن در هیچ کاری مداخله نکند و به شوهر مشوره ندهد بلکه هدف این است که مداخلهٔ بی جا نکند و زمینه های بی اعتمادی را فراهم نسازد.

ادامه دارد

یک نظر اجمالی بر بودجهٔ عادی سال ۱۳۸۴

تکساری

رسانه های جمعی خبر دادند که در یکی از اجلاس کابینه، بودجهٔ عادی سال ۱۳۸۴خورشیدی به تصویب رسید. در این بودجه پانزده در صد تزیید نسبت به سال گذشته دیده می شود. گفته شده است که این بودجه چیزی بالاتر از ۳۲ میلیارد افغانی بوده که صرف معاشات کارمندان دولت و خدمات اجتماعی خواهد گردید، وزارت مالیه به این باور است که در صورت ازدیاد عواید ملی بر مقدار این بودجه تزیید به عمل خواهد آمد.

چیزی که توجه را در مورد این بودجه جلب می کند، تقسیمات آن به وزارت خانه های مختلف دولت است. بیشترین سهم را در این بودجه وزارت های محترم داخله، معارف و دفاع به خود اختصاص داده اند. طوری که ۲۴ در صد را وزارت امور داخله، ۱۹ در صد را وزارت معارف و ۲۰ در صد را وزارت دفاع خواهد بلعید.

طی بیشتر از دو دهه بیشترین رقم مصرف در کشور را وزارت های دفاع، داخله و امنیت تشکیل داده اند. و برای سایر وزارت ها که توسعهٔ ملی، بازسازی و رشد فکری افراد بدان وابسته می باشد، یک فیصدی ناچیزی در نظر گرفته شده است. چنان که دیده شده است در سال ۱۳۸۳خورشیدی وزارت تحصیلات عالی یک درصد بودجه را به خود اختصاص داده بود. این جریان تقسیم بودجه به داستانی می ماند که برادر بزرگ به برادر کهتر در تقسیم میراث پدر توصیه می کند.

از صحن خانه تا به لب بام از آن من
از بام خانه تا به ثریا از آن تو

این ارقام درشت درصدی بودجه به وزارت های دفاع و داخله، همه ساله به عنوان یک ضرورت مطرح می شود که هدف آن اعادهٔ صلح و امنیت در کشور است.

این بحران را اساساً کمونیزم جنگی در کشور به وجود آورد، این نظام فقط با خون زندگی می کرد و در نخستین وهلهٔ حیات خویش مردم را به جنگ فرا می خواند، کمونیزم جنگی خود عامل بی ثباتی در کشور بود، وقتی شعله های جنگ در کشور سراسری گردید، آنها می گفتند ما صلح می خواهیم و ادعا می کردند که تمام بودجهٔ کشور صرف امنیت می گردد. بحران دیگری که در کشور مصیبت آفرید، افراطی گری ولجام گسیختهٔ طالبانی بود که طعم تلخ آن را همه چشیده ایم. این بار بزرگ ترین رقم پول های باد آورده و کمک های جهانی چنان به مصرف می رسد که هیچ گونه شفافیت وحساب دهی در سطح دولت یا وجود ندارد و یا کمرنگ جلوه می نماید. توجه به زندگی معلم، استاد، متخصص و کارمندان دولتی در حقیقت توجه و اهتمام به توسعهٔ بازسازی وظرفیت های کاری مملکت است.

عدم توجه به این قشر در جامعه بحران و فاجعه خلق می نماید تحت نام جریان اصلاحات اداری تعدادی از کارمندان با تجربهٔ دولت از وظیفه انفصال پیدا می کنند، و دلیل آن را کمبود بودجه و نا توانی مالی عنوان می کنند، در صورتی که در کشور اشتغال جدید کمتر وجود دارد، همه روزه میزان بیکاری، صف خود را از اشخاص واجد شرایط کار، طولانی تر می سازد، امروز به صدها، بلکه هزارها انسان در داخل شهر به کارهای دست فروشی و حمل کراچی های دستی از یک گوشهٔ شهر به گوشهٔ دیگر آن اقدام می کنند.

تداوم این امر از یک طرف جریان تردد را در شهر مشکل می سازد و از جانب دیگر نظافت شهر هرگز تأمین نخواهد شد، اکثریت این اشخاص به خاطر پایین بودن مزد خویش وظیفه را ترک گفته اند و یا در نتیجهٔ اصلاحات اداری از کار سبکدوش گردیده اند. به نظر نویسنده اصلاحات اداری باید ظرفیت کاری و مهارت های کارمند را بلند ببرد، نه اینکه آنها را به شهرها و کوچه ها فرا خواند وآنها همه روزه فاجعه خلق کنند.

> **توجه به زندگی معلم، استاد، متخصص و کارمندان دولتی در حقیقت توجه و اهتمام به توسعهٔ بازسازی وظرفیت های کاری مملکت است**

مردم توقع داشتند که بیشترین فیصدی بودجه به وزارت هایی تخصیص داده شود که بتوانند نظام بازسازی وتوسعهٔ اقتصادی را هدایت نمایند. همین اکنون نسبت نبود بودجهٔ کافی در وزارت تحصیلات عالی صدها محصل در دروازه های این وزارت به دنبال به دست آوردن امتیاز خوابگاه سرگردان اند و حرف اول و آخر مسؤولان را کمبود بودجه در بر می گیرد و در هدایت امتحان کانکور ۱۳۸۳ نیز آمده است که در سال ۱۳۸۴ دولت ظرفیت پرداخت هزینهٔ هنگفت خوابگاه را برای محصلان ندارد و محصلان در آرزوی به دست آوردن خوابگاه، وقت خود را ضایع نسازند.

ظرف سال های اخیر چیزی به نام خوابگاه پسرانه در پایتخت کشور احداث گردیده است و ظرفیت لیلیهٔ مرکزی دانشگاه کابل و دانشگاه طبی کابل فقط گنجایش ۱۲۰۰ محصل را دارد و به همین تعداد محصل در نظر گرفته شده است. یکی از دلایل بسیار خفت بار که مسؤولان در تظاهرات سال های قبل، از خوابگاه مرکزی دانشگاه کابل عنوان کردند ومحصلان از مدیریت بد و عدم معیشت سالم شکایت داشتند و در این راه چندین قربانی دادند فقط کمبود بودجه عنوان گردید، آیا دولت آن قدر نا توان و فقیر بود که در شب های رمضان قادر نبود برای محصلان نان تهیه کند؟ آیا نمی شد از این همه کمک های جهانی آن را تمویل می کرد؟ وقوع این همه حوادث را فقط نبود بودجهٔ کافی گفتند وبس.

این وضع بدتر از حال پار در حال شکل گرفتن است و محصلان نمی توانند بدون خوابگاه از مناطق اصلی خود به سوی دانشگاه ها روی آورند. فقر اقتصادی، عدم در آمد سرانهٔ خانواده ها، به یقین جریان تحصیل جوانان کم در آمد را در کشور کاهش خواهد داد که نتیجهٔ آن نا میمون و ایجاد عقده های اجتماعی را در شرایط کنونی درمیان خانواده های کم در آمد به وجود خواهد آورد. فقط به این دلیل که اردو و پلیس امنیت می آورند و دیگران هیچ!

آیا واقعاً این پلیس قادر است امنیت سراسری را در کشور فراهم نماید و این وضع تا کجاهای تاریخ افغانستان دوام خواهد کرد، یکسال، دوسال، ده سال...؟

اما دانشمندان علم حقوق وسیاست گفته اند:

مردم آن گونه حکومت را به دست می آورند که لیاقت آن را دارند.

نباید اجازه داد که به نام آزادی بیان و ...

یاد آور شده گفت که این یک موضوع بسیار مهم است و باید مطبوعات ما از این آشفتگی و پراگندگی موجود رهایی یابد و به صورت مشخص به کار برد انواع (ی) وحروف اضافه اشاره کرد و علاوه نمود که یک نهاد رسمی - مانند فرهنگستان در ایران - باید قاعده و قواعدی را وضع و روش املای کلمات را مشخص نماید و مطبوعات باید به آن التزام داشته باشند. این نهاد می تواند اکادمی علوم یا وزارت اطلاعات و فرهنگ باشد.

فقیری افزود که در حال حاضر ادبیات دری ما تحت تأثیر و نفوذ برخی از اصطلاحات رایج در ایران و ادبیات پشتوی ما تحت تأثیر و نفوذ برخی از اصطلاحات رایج در ایالت شمال غربی پاکستان (صوبه سرحد) می باشد.

فقیری در مورد آزادی های موجود در عرصهٔ مطبوعات گفت که این آزادی ها با تأسف که به صورت لجام گسیخته حتی در مطبوعات دولتی و به خصوص سرمقاله های انیس و هیواد به ملاحظه می رسد که واقعاً در تمام دنیا بی سابقه و بی نظیر است! در حالی که مطالب روزنامه ها و نشریه های دولتی و به خصوص سرمقاله های آن مبین نظر و موقف حکومت است و نباید در خدمت گروه ها و گرایش های خاص و یا علیه گروه ها و گرایش های خاص ومدح و نکوهش آنان قرار داده شود! عجیب است که در سر مقاله های انیس و هیواد به رجال دولتی تهمت و افترا و توهین می گردد!

فقیری در ادامه گفت: آنانی که می خواهند همچو مطالبی را به نشر برسانند و یا هرچه دلشان خواست بنویسند، نباید این مطالب و بدگویی ها را در سر مقاله های روزنامه های دولتی که زبان دولت اند، به نشر برسانند بلکه بهتر است تا از ماموریت دولت کنار رفته و مجوز یک نشریهٔ آزاد را به دست آورند با تأسف که نه تنها نشریه ها و روزنامه های دولتی در داخل بلکه برخی از اعضا و مسؤولین نمایندگی های سیاسی و قونسلی ما در خارج نیز شوق و هوس انتشار نشریه ها را دارند و بدون در نظر داشت سیاست داخلی و خارجی دولت، هرچه دلشان خواست، می نویسند و نشر می کنند! در حالی که در تمام دنیا، دپلمات ها این اجازه را ندارند ولی فقط این کشور ماست که برخی از مسؤولین مطبوعات دولتی و همچنین تعدادی از دپلمات ها هرچه دلشان خواست می نویسند و کسی هم از آنها نمی پرسد!

امسال شش و نیم میلیون ...

کار کردهای وزارت معارف سخنرانی نمود و گفت: جای بس افتخارست که ما امسال پذیرای شش ونیم میلیون جدید الشمول می باشیم که این رقم نسبت به سالهای گذشته بیشتر می باشد.

امیدوارم که مردم افغانستان با محبت فراوان، فرزندان شان را راهی مکاتب سازند و به این رقم بیفزایند او در قسمتی از سخنانش گفت: هویداست که دولت ما توانایی بازسازی یکبارگی را در همه ابعاد ندارد ولی امیدواریم تا بر مشکلات موجود به مرور زمان فایق آییم که این کار نیازمند همکاری ملت افغانستان است.

بعداً نور محمد قرقین، وزیر معارف کشور طی سخنانی گفت: سال تعلیمی جدید را در حالی آغاز می نماییم که مردم و کشور ما دارای قانون اساسی مصوب و دولت منتخب می باشند.

او علاوه کرد که وزارت معارف امسال برنامه های وسیعی جهت رشد معارف زیردست دارد که آماده ساختن فضای سالم تعلیمی، رشد تعلیم در کشور، بهتر ساختن نصاب تعلیمی، رشد تعلیمات دینی، بلند بردن کیفیت کاری معلمان و کارمندان وزارت معارف جزء برنامه های آن می باشد.

همچنان وزارت معارف در نظر دارد تا در قسمت تعلیم مسلکی و حرفه یی، آماده ساختن کتب درسی به تمام زبان های رایج کشور، تشویق مردم به تعلیم و تربیه، آماده ساختن شرایط زندگی مناسب برای منسوبان معارف توجه جدی مبذول نماید. در قسمتی از این مجلس شگوفه سحر به نمایندگی از شاگردان معارف به سخنرانی پرداخت و گفت:

جامعه وقتی ترقی می نماید که انسان های آن پیشرفت کرده و دارای تعلیم درست شوند و این امر تنها از طریق رشد معارف در کشور می تواند تحقق یابد.

در لابلای این مراسم ترانه هایی از جانب شاگردان مکاتب خوانده شد و فیلم معارف نیز به نمایش گذاشته شد. محفل با نواختن زنگ معارف توسط احمدضیا مسعود و وزیر معارف به پایان رسید.

ملکیار

بند سلطان درغزنی ...

وکناردریا از قبل منازل شان را ترک نموده بودند.

وزرای احیا و انکشاف دهات و فواید عامهٔ همراه با والی غزنی و سایر مسؤولین آن ولایت ذریعهٔ هلیکوپتر از بند سلطان و مناطق آسیب دیده بازدید نموده و قطعات اردو ، پلیس، پی آرتی و آیساف غرض کمک به مصدومان داخل اقدام شده اند.

بدین مناسبت جمعیت اسلامی افغانستان مراتب تأثر عمیق خود را ابراز نموده به هلاک شدگان مغفرت و برای بازماندگان آنان صبر جمیل مسألت می دارد.

اهمیت نشست سران عرب در الجزیره



پایان جنگ جهانی دوم۱۹۵۹-۱۹۶۷تراژدی بزرگی بود که دنیای اسلام را تکان داد و با ایجاد دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین دنیای عرب در برابر دشمن مشترک قرار گرفتند. وجود این پایگاه مستحکم صهیونیزم در شرق میانه کشورهای عرب را در مقاطع مختلف به ائتلاف ها ومذاکرات فرا خوانده است و به بهانه های گونه گون این ائتلاف ها از هم پاشیده و سوء ظن در میان آنها ایجاد گردیده است. نتیجهٔ این همه فروپاشی ونقض تعهدات درمیان کشورهای عربی همانا پالیسی کشورهای طرفدار اسرائیل وصهیونیزم بین المللی است، قضیهٔ اشغال فلسطین از سوی اسرائیل، مهاجرت های دسته جمعی فلسطینی ها به کشورهای دور و نزدیک وجدان بشریت را به مبارزه می طلبد.

وقوع جنگ مثلث در نیمهٔ قرن بیستم که در آن اسرائیل، انگلیس و فرانسه بر کشورهای عربی چون مصر، فلسطین، سوریه وغیره یورش بردند و سرزمین هایی در مصر چون سینا و جولان در سوریه به تصرف اسرائیل در آمد و در جنگ ۱۹۶۷ که اسرائیل بر فلسطین حمله کرد و فاجعهٔ فلسطین عمیق تر گردید و مناطق زیادی در قدس، غزه، کرانه های اردن و غیره را اسرائیل اشغال نمود وشرق میانه به سرزمین خون و آتش و باروت تبدیل گردید. اسرائیل وکشورهای طرفدار آن هرجا عدالت، آزادی، استقلال و سیادت ملی این مناطق را نشانه می گرفتند. در میان کشورهای عرب هرچند اتحادیه های‌ی مقطعی به وجود می آمد و با وزیدن شمال مخالف از هم می پاشید؛ تا این که مصر به تنهایی با اسرائیل به مذاکره پرداخت وقضیهٔ فلسطین از برنامهٔ کار دنیای عرب بیرون کشیده شد که در نتیجهٔ این مذاکرات، مصر سرزمین های از دست رفتهٔ خود را، دوباره به دست آورد، و این توافقات در رسانه های مختلف عربی که اسرائیل را دشمن مشترک اسلام و عرب می دانستند به اصطبل داوود به عنوان سخریه و استهزا مسمی گردید بعداً سوریه کماکان در خط مقدم جبهه با اسرائیل قرار گرفت ونظام صدام حسین در عراق از دور اسرائیل را تهدید می کرد و سیاست خارجی آن را دشمنی با اسرائیل تشکیل می داد، طوری که درجریان اشغال کویت به وسیلهٔ عراق و شعله ور شدن جنگ خلیج در جهت آزادی کویت از سوی امریکا، عراق توانست چندین راکت دور برد خود را به سوی اسرائیل پرتاب نماید و همچنان صدام حسین بسیار تلاش نمود تا در این جنگ تا برابر، ناسیونالیزم عرب را در برابر اسرائیل و امریکا تحریک نماید که هیچ کدام نتیجه یی به بار نیاورد. تشکیل حزب الله لبنان، موجودیت قوت های سوریه در لبنان، ایجاد پایگاه های نظامی فلسطینیان در لبنان، جنگ مسلحانهٔ فلسطینیان تا سطح انتفاضه همه و همه نتیجهٔ این اشغال را نشان می دهد. طی سال های اشغال فلسطین از سوی اسرائیل، قطعنامه های ملل متحد و شورای امنیت در مورد خروج اسرائیل از سرزمین های فلسطینی عملی نگردید، قطب بندی های جدیدی طی این سال ها درمیان کشورهای مختلف عرب به وجود آمد. با وصف فشارهای اسرائیل، کشورهای عربی نتوانستند استراتژی مشترکی را در برابر اسرائیل به وجود آورند.

این کشورها نتوانستند از نیروی اقتصادی خویش در برابر اسرائیل و متحدان آن استفاده نمایند، از جمله طرح حسنین الهیکل در مورد قطع فروش نفت به کشورهای متحد اسرائیل بی نتیجه ماند. توافق یک

فضای سیاسی منطقه چنان نشان می دهد که کشورهای عرب با اسرائیل از در سازش پیش بیایند و در ازای آن اسرائیل بتواند سرزمین های اشغالی و در قدم نخست به عنوان حسن نیت یک قسمت از سرزمین فلسطین را به صاحبان اصلی آن واگذار و زندگی مسالمت آمیز بین آنها از سر گرفته شود

جانبهٔ مصر با اسرائیل به اشغالگر قوت بیشتر بخشید.

آنچه درمیان همه طرح ها درپیرامون حل قضیهٔ فلسطین وجود داشته است، همان نظریهٔ به رسمیت شناختن اسرائیل از سوی فلسطین و عرب و برعکس بوده که این طرح نیز کدام موفقیتی نداشته است. واحزابی در داخل فلسطین چون حزب الله و حماس هیچ گاه حاضر به این طرح نگردیده و همواره خروج قوت های اشغالگر را بدون قید و شرط مطالبه می نمودند.

طی سال های اخیر پالیسی های ناکام زیادی در شرق میانه به راه افتاد و هیچ کدام نتوانست بر حل معضل منطقه مفید واقع گردد. در سال ۲۰۰۴ اسرائیل به طرح نقشهٔ راه متوسل می شود و میان فلسطینی ها خط فاصل وکمربند امنیتی با وجود مخالفت محاکم بی طرف بین المللی، با هزینهٔ هنگفت عملی می گردد. در سال های اشغال، شهرک های یهودی نشین در قلمرو فلسطین ایجاد می شود، پس از مرگ یاسر عرفات قضیهٔ فلسطین بار دیگر روی میز مذاکرهٔ کشورهای ذی نفوذ به ویژه امریکا قرار می گیرد. محمود عباس که به شخصیت معتدل و میانه رو شهرت یافته است، در نتیجهٔ انتخابات به رهبری حکومت فلسطین پذیرفته می شود.

محمود عباس توانست زمینهٔ دیالوگ و مذاکره را با اسرائیل فراهم سازد، البته این کاری است که کشورهای مقتدر اروپایی و امریکا می خواهند آن را تجربه کنند.

بعد از درگیرشدن امریکا در عراق این کشور می خواهد بر زخم خونچکان فلسطینیان مرهم بگذارد و از بسیج ناسیونالیزم عرب در برابر خویش بکاهد. در نشست کشورهای عرب در الجزایر رهبران و نماینده های ارشد ۲۲ کشور عربی به شمول منشی عمومی ملل متحد کوفی عنان، صدر اعظم اسپانیا، وزرای برخی از کشورها اشتراک ورزیده بودند.

این نشست در حالی صورت می گیرد که سوریه نظر به قطعنامهٔ ملل متحد قوت های خود را از لبنان بیرون می کشد. در این نشست اصلاحات درمیان کشورهای عربی عنوان می شود سران کشورهای عرب، خواهان به رسمیت شناختن حقوق اعراب از سوی جامعهٔ جهانی می گردند که عمدتاً قضیهٔ فلسطین را احتوا می کند. طرح یک پارلمان عربی از سوی شرکت کنندگان عنوان می شود، تا در برابر قضایای عرب به شور و بحث پرداخته شود. همین گونه سیاست گذاران عرب خواهان تعریف دقیق از تروریزم گردیدند که در صورت قبول این تعریف همگان در برابر این پدیده باید مبارزهٔ مشترک نمایند. در این نشست مشکل صومالی، عراق و دارفو، سودان مورد بحث قرار گرفت آنچه در فضای این همایش حاکم بود، نزدیکی وصلح با اسرائیل را نشان می داد.

هیچکس از حذف اسرائیل از نقشهٔ سیاسی جهان حرفی به میان نیاورد، چیزی که ذهن برخی از رهبران عرب را در گذشته ها به خود مشغول داشته بود. طوری که معمر القذافی رهبر کشور لیبیا، خواهان کشور مشترک فلسطین با اسرائیل گردید و از صلح صحبت کرد. فضای سیاسی منطقه چنان نشان می دهد که کشورهای عرب با اسرائیل از در سازش پیش بیایند و در ازای آن اسرائیل بتواند سرزمین های اشغالی و در قدم نخست به عنوان حسن نیت یک قسمت از سرزمین فلسطین را به صاحبان اصلی آن واگذار و زندگی مسالمت آمیز بین آنها از سر گرفته شود.

زندانی های افغانی از زندان های روسیه آزاد می شوند

توافقنامهٔ تبادلهٔ محبوسان افغانی و روسی بین سفارت افغانستان مقیم روسیه ووزیر عدلیهٔ آن کشور اخیراً در مسکو به امضا رسید .

سرور دانش وزیر عدلیه در مورد این توافقنامه گفت :از نظر حقوقی و روابط حقوقی بین کشور ها رایج است که دوکشور معاهده یی را در بارهٔ استرداد مجرمان یا مبادلهٔ محبوسان امضا کنند. بر اساس شرایط خاص و نیاز های دوکشور سال گذشته متن معاهده تکمیل و از جانب شورای عالی وزرا مورد تأیید قرار گرفت و به موجب آن در اوایل سال ۱۳۸۴ این موافقتنامه بعد از امضای وزیر عدلیهٔ روسیه و نمایندهٔ دولت افغانستان در مسکو شکل رسمی و قانونی را به خود گرفت .

وزیر عدلیه در رابطه به تطبیق مفاد این موافقتنامه گفت: برای تطبیق این موافقتنامه تاریخ تعیین نشده و از نظر قانونی از روزی که به امضا رسیده قابل تطبیق است .

سرور دانش در ارتباط به تعداد زندانیان گفت : از جانب دولت افغانستان تاکنون هیأتی غرض بررسی تعداد محبوسین وبررسی دوسیه های آنها مبنی بر جرایم شان به آن کشور اعزام نگردیده بنابر آن تعداد آنها مشخص نمی باشد .

وزیر عدلیه در رابطه به زندانیان روسی گفت:قرار معلوماتی که از محابس مرکز وولایات داریم هیچ یک از اتباع روسیه نزد ما بندی نیست اما با آنهم این معاهده یک معاهدهٔ مثبت بوده وبه نفع طرفین می باشد

په خوست کي په ارزښتناکو ډبرو بارخلورلاري ونيولي شوي

د آزادي راډيو خبر ورکړ چي دخوست په ولايت کي په ارزښتناکو ډبرو بار څلور کاماز ډوله موټر چي ګاونډي هيواد پاکستان ته روان و د امنيتي چارواکو لخوا ديوه تن په ګډون ونيول او نور کسان په تيښتي بريالي شول.

د يادوني وړ ده چي مخکي هم ددغه راز قيمتي ډبرو قاچاق څوځله په بيلابيلو سيمو کي د امنيتي ځواکونو لخوا نيول شوي څو د پايلو په هکله ئي چي څه ورسره وشول، او کوم کسان ئي تر شا ولاړ وي د قانوني مراجعو لخوا هيواد والو ته څه نه دي ويل شوي

يوه برتانوي کميسيون امريکا دبشري حقوقو په تيري تورن کړ

د فرانسي راډيو په وينا د انګلستان د پارلمان د بهرنيو چارو ديوه کميسيون په رپوټ کي خبرداري ورکړ شوي دامريکا پوځ په عراق، ګوانتانامو او افغانستان کي د بشر پر حقوقو تيري کوي په دغه رپوټ کي چي هر کال د بشر د حقوقو په اړوند په لندن کي خپريږي د انګلستان له حکومت څخه غوښتنه شوي امريکائي مقاماتوته په ډاګه ووايي چي پر بنديانو باندي دغه راز بر بنډ تيري او خوروني د زغم او منلو وړنه دي. سربيره پر دي ددغه کميسيون لخوا غوښتنه شوي، چي له بنديانو سره د انساني چلند په باب انګليسي سرتيري د روزنيزو کورسونو له لياري تر روزني لاندي ونيول شي.

دیادوني وړ ده چي څلور انګليسي بنديان چي په عراق کي د بشري حقوقو پر تيري تورن دي تر پوښتني لاندي نيول شوي دي.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارۀ ۱ چهارشنبه ۱۰ حمل ۱۳۸۴ ۱۹ صفر المظفر ۱۴۲۶ – 30 March 2005

له چارواکو د پرګنو هیلې

زکوخیل

په ګران هیواد افغانستان کې د لومړي ځل لپاره د پراخو پرګنو په ګډون تولټاکني ترسره او محترم حامد کرزي د اولس له خوا جمهور رئیس و ټاکل شو. او له څه انتظار وروسته ئي خپله کابینه اعلان کړه.

اوس دهیواد اوسیدونکي د دوي کړنوته سترګي پر لاره او د چارو د سمون هیله من دي.

هیوادوال له هر یوه مسئوول او چارواکي څخه د خپل صلاحیت او هغه واك په چوکاټ کي، چي قانون ورکړي دي د چارو د سمون هیله لري او د دوي کړه وړه دهیواد د بیا رغوني او آبادیدو په ډګر کي په زیاتي پاملرني څاري او وربان‌دي قضاوت کوي. لکه چي لیدل کیږي، د هیواد د بیا رغوني په خینو خواوو کي له عمل څخه د خبرو بازار ډیر تود دي، که څه هم خبري یا ویل له عمل کولو سره نه شلیدونکي اړیکي لري، که خبري ډیري او عمل پري ونه شي څه ګټه نه لري او که بي فکره او بي پلانه عمل هم څوك وکړي. پایلي به یي له دي امله پر زړه پوري نه وي، چي د اړوندي موضوع په باب مخکیني نقشي او پلان شتوالي نه لري نو ځکه یي د کړو وړو لړی ژر شلیږي او پاینښت نه کوي، د دندو په ترسره کولو کي ګډوډي پیدا کیږي، چي هر ډول ګډوډي د دیموکراسي بهیرته زیان رسوي.

ځکه خو د ټولنیز ژوند او د قانون د پلي کیدو په وړاندي ستونزي رامنځ ته کیږي خلك په اداره بي باوره کیږي، دا بي باوري بیا د اداري او پرګنو ترمنځ فاصله رامنځ ته کوي او شخصیتونه تر پوښتني لاندي راولي. په دي کي شك نه شته چي د پرګنو ملاتړ دهري اداري له پاره ځانګړي ارزښت لري.

لکه چي یو پوه وایي: "په هغو ټولنو کي، چي دعلم او پوهي پر بنسټ ولاړي وي، هر څوك خپلي ځانګړي او شخصي ګټي د قانون په هنداره کي ګوري او یوازي روڼ آنده اندیښني په دغسي شرایطو کي کولي شي، چي سوله، نظم، کاري او پر زړه پوري اداره رامنځ ته کړي."

د دي لپاره چي په ټولنه کي د اوسني انارشي مخه نیول شوي وي، چارواکوته په کار ده، چي له پراخو پرګنو سره نیږدي او نه شلیدونکي اړیکي ټینګي کړي، دهغوي غوښتني او وړاندیزونه له پامه ونه وغورځوي. ترڅو په ګران هیواد کي د بیا رغوني بهیر د پرګنو د پراخ او هر اړخیز ملاتړ په پایله کي د بریالیتوب پړاوته ورسیږي.

په درنښت

زلزله دیگری در اقیانوس هند جان هزاران نفر را گرفت



وقوع یک زلزلۀ بسیار شدید در آب های ساحلی اندونیزیا هزاران کشته و زخمی بر جای گذاشت .این زلزله به بزرگی ۸/۷ درجه مقیاس ریشتر، پیش از نیمۀ شب به وقت محلی رخ داد و باعث تخریب ساختمانها در جزیرۀ سوماتری و دیگر نواحی اقیانوس هند شد .

هزاران نفر در اندونیزیا ، مالیزیا ، تایلند ، هند و سریلانکا از خانه های خود گریخته وبه مناطق مرتفع رفتند .

شبکه های خبری و تصویری و سایل ارتباط جمعی منطقه با اعلان خطر، از مردم خواسته اند متوجه جزرومد آب ها بوده و به هشدار های دولت متوجه باشند .

بااین حال با سپری شدن ۲۴ ساعت از وقوع زلزله ، هشدارهایی که در بارۀ سونامی صادر شده بود تخفیف وحتی به طور موقت رفع شده است .

به گفتۀ مقامات ، بزرگ ترین قربانیان این زلزله در جزیرۀ نیاس می باشد که نه چندان دور از کانون زلزله قرار دارد.

مقامات تخمین می زنند که بر اثر این زلزله در حدود سه هزار نفر کشته شده و هزاران تن دیگر زخمی و ده ها هزار نفر بی خانمان گشته اند .

به گفتۀ مراکز زلزله شناسی اندونیزیا ، لرزش بستر اقیانوس در ساعت ۱۱:۱۵ شب به وقت محلی رخ داده و تاسه دقیقه ادامه داشت .

انستیتوت طب کابل به دانشگاه علوم طبی ارتقا نمود

طی همایشی بزرگ به روز سه شنبه ۹ حمل ارتقای انستیتوت طب کابل به دانشگاه علوم طبی رسماً اعلام شد.

در همایش مذکور عبدالرحیم حسین یار، سرپرست وزارت تحصیلات عالی، پیام دکتر سید امیرشاه حسنیار وزیر تحصیلات عالی را به این مناسبت قرائت نمود.

دکتر فاطمی وزیر صحت عامه نیز در این همایش در پیرامون بهتر سازی وضع بهداشتی کشور سخنرانی نمود.

پوهندوی دکتر محمد بشیر حلیمی معاون دانشگاه علوم طبی روی برنامه های آیندۀ این دانشگاه تماس گرفته گفت: در نظر است تا سر از امسال سیستم کریدت در این دانشگاه عملی گردد.

عده یی دیگر از استادان و محصلان نیز در این همایش سخنرانی کردند.

در پایان این همایش تحایف و سپاسنامه هایی از جانب اتحادیۀ محصلان دانشگاه علوم طبی کابل به وزیر صحت عامه، مسؤولان و استادان این دانشگاه اهدا گردید.

جنبش مردمی در قرغیزستان آقایوف را فراری ساخت



AFP

عسکر آقایوف رئیس جمهور فراری



باقی یوف رئیس جمهور و صدراعظم انتقالی قرغیزستان

در پی اعلان نتایج انتخابات پارلمانی قرغیزستان در هفتۀ گذشته ، این کشور شاهد تظاهرات مردم در شمال آن سرزمین بود که بعداً به پایتخت سرایت کرد و باعث سقوط حکومت عسکر آقایوف بعد از پانزده سال حاکمیت شد .

قرغیزستان مانند اوکراین و گرجستان رهبران برجستۀ ملی ندارد اما قورمان بیک باقیوف یکی از رهبران تقریباً نیمه شناخته شده در آسیای میانه می باشد که فعلاً بعد از فرار آقایوف به حیث رئیس جمهور انتقالی ایفای وظیفه می نماید قورمان بیک که ۵۶ سال دارد رئیس جنبش خلق قرغیزستان بوده و تا سال ۲۰۰۳ صدر اعظم این کشور بود .

طرح سرود ملی هنوز پذیرفته ...

تصویب سرود ملی گفت: من از اول چندان خوشبین به این سرود نبودم اما چون اکثریت اعضا آن را پذیرفتند، من هم موافقت خود را نشان دادم.

به گفتۀ نامبرده، در بسیاری از کشورها سرود ملی را باید پارلمان کشور منظور کند. لذا این قدر که صبر کردیم، شش ماه دیگر هم صبر کنیم و در اولین اجلاس شورای ملی آن را پیشکش کنند تا شورای ملی در مورد آن تصمیم بگیرد.

اندرزهایی برای خوشبختی زن و شوهر

نویسنده: دکتر مصطفی ابوسعد

برگرداننده: عبدالله فرزاد

بدون شک زندگی زناشویی، نوعی مشارکت میان زن و شوهر است، این مشارکت مستلزم سعی و تلاش و بذل مساعی هر دو طرف (زن و شوهر) می باشد، تا به موفقیت بینجامد، شگوفا شود و برای نیل به اهداف بلند انسانی از دشواری ها و موانع عبور نماید. فراموش نباید کرد که در این راه، مسؤولیت به دوش زن و مرد است و هر کدام ایشان مکلف به ایفای نقشی اند که خداوند در روز بازپرس از آنان سؤال می کند که آیا آن را حفظ کرده اند یا نه؟

از این رو، در این نوشته نخست مسؤولیت های زن و نقش او را که برای در نور دیدن مشکلات و رسیدن به زندگی شرافت مندانۀ زنا شوهری باید بازی کند بازگو می کنم.

اول: رخدادهای ناگهانی

یکی از عوامل بدبختی زندگی زنا شویی، وجود برخی تصورات، خیالات و رؤیا های غیر قابل دسترسی است که در پیرامون ازدواج در ذهن زن وشوهر متبادر می شود، و لیکن این تصورات و خیال بافی ها در ذهن زن، به دلیل عاطفی بودن وی بیشتر پرورش می یابد و از همین جاست وقتی که زن در زندگی عملی زناشویی خلاف آنچه را که تصور می کرد مشاهده نمود، مأیوس می گردد و در دلش عقده آفریده می شود. لذا بر زن مؤمنی که در صدد خوشبختی است و راه عبور از دشواری ها را می پوید، لازم است که واقعیت های انکار نا پذیر زندگی را فراموش نکند و رؤیا های غیر قابل تحقق را از سر بیرون نماید، او باید بداند که انسان از خطا و کاستی مصون و معصوم نیست، و شوهر هم به حیث یک انسان، گاهی مرتکب خطا و اشتباه می شود و زمانی هم کاری را بدون اشتباه انجام می دهد، و در وجود شوهر صفات خوبی هست که به پاس آن صفات، باید از صفات وحرکات منفی او چشم پوشیده شود.

ص۵